

تعلیم عیسی درباره ازدواج و طلاق

¹ و چون عیسی این سخنان را به اتمام رسانید، از جلیل روانه شده، به حدود یهودیه از آن طرف اُردُن آمد.² و گروهی بسیار از عقب او آمدند و آنها را در آنجا شفا بخشید.

³ پس فریسیان آمدند تا او را امتحان کنند و گفتند: آیا جایز است مرد، زن خود را به هر علتی طلاق دهد؟⁴ او در جواب ایشان گفت: مگر نخوانده‌اید که خالق در ابتدا ایشان را مرد و زن آفرید،⁵ و گفت: از این جهت مرد، پدر و مادر خود را رها کرده، به زن خویش پیوند و هر دو یک تن خواهند شد؟ بنابراین بعد از آن دو نیستند، بلکه یک تن هستند. پس آنچه را خدا پیوست انسان جدا نسازد.⁷ به وی گفتند: پس از بهر چه موسی امر فرمود که زن را طلاقنامه دهند و جدا کنند؟⁸ ایشان را گفت: موسی به سبب سنگدلی شما، شما را اجازت داد که زناخود را طلاق دهید، لیکن از ابتدا چنین نبود.⁹ و به شما می‌گویم: هر که زن خود را بغیر علت زنا طلاق دهد و دیگری را نکاح کند، زانی است. و هر که زن مطلقهای را نکاح کند، زنا کند.¹⁰ شاگردانش بدو گفتند: اگر حکم شوهر با زن چنین باشد، نکاح نکردن بهتر است.¹¹ ایشان را گفت: تمامی خلق این کلام را نمی‌پذیرند، مگر به کسانی که عطا شده است.¹² زیرا که حصیها می‌باشند که از شکم مادر چنین متولد شدند و حصیها هستند که از مردم خصی شده‌اند و خصی می‌باشند که بجهت ملکوت خدا خود را خصی نموده‌اند. آنکه توانایی قبول دارد بپذیرد.

عیسی فرزندان را برکت می‌دهد

¹³ آنگاه چند بچه کوچک را نزد او آوردند تا دستهای خود را بر ایشان نهاده، دعا کند. اما شاگردان، ایشان را نهیب دادند.¹⁴ عیسی گفت: بچه‌های کوچک را بگذارید و از آمدن نزد من، ایشان را منع نکنید، زیرا ملکوت آسمان از مثل اینها است.¹⁵ و دستهای خود را بر ایشان گذارده از آن جا روانه شد.

جوان دولتمند و ثروت

¹⁶ آنگاه شخصی آمده، وی را گفت: ای استاد نیکو، چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم؟¹⁷ وی را گفت: از چه سبب مرا نیکو گفتی و حالآنکه کسی نیکو نیست، جز خدا فقط؟ لیکن اگر بخواهی داخل حیات شوی، احکام را نگاه دار.¹⁸ بدو گفت: کدام احکام؟ عیسی گفت: قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده،¹⁹ و پدر و مادر خود را حرمت دار و همسایه خود را مثل نفس خود دوست دار.²⁰ جوان وی را گفت: همه اینها را از طفولیت نگاه داشته‌ام. دیگر مرا چه ناقص است؟²¹ عیسی بدو گفت: اگر بخواهی کامل شوی، رفته مایملک خود را بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی داشت؛ و آمده مرا متابعت نما.²² چون جوان این سخن را شنید، دل تنگ شده، برفت زیرا که مال بسیار داشت.

²³ عیسی به شاگردان خود گفت: هرآینه به شما می‌گویم که شخص دولتمند به ملکوت آسمان به دشواری داخل می‌شود.²⁴ و باز شما را می‌گویم که: گذشتن شتر از سوراخ سوزن، آسانتر است از دخول شخص دولتمند در ملکوت خدا.²⁵ شاگردان چون شنیدند، بغایت متحیر گشته، گفتند: پس که می‌تواند نجات یابد؟²⁶ عیسی متوجه ایشان شده، گفت: نزد انسان این محال است لیکن نزد خدا همه چیز ممکن است.

متابعت عیسی و مجازات

²⁷ آنگاه پطرس در جواب گفت: اینک، ما همه چیزها را ترک کرده، تو را متابعت می‌کنیم. پس ما را چه خواهد بود؟²⁸ عیسی ایشان را گفت: هرآینه به شما می‌گویم شما که مرا متابعت نموده‌اید، در معاد وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشسته، بر دوازده سبط اسرائیل داورخواهید نمود.²⁹ و هر که بخاطر اسم من، خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمینها را ترک کرد، صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت.³⁰ لیکن بسا اولین که آخرین می‌گردند و آخرین، اولین.